

حس خودخواهی را در آن می‌بینند که صد البته اگر چنین فرضیه‌ای درست باشد، اصلی مقدس و ارزش آفرین است و من بدون نیاز به اثبات یا نفی آن به این گروه درود می‌فرستم.

نکته پیچیده دیگری که در ساختار آفرینش انسان وجود دارد، تبعیض طبیعی در آفرینش آنهاست.

یکی با بهره‌ی هوش بالا و دیگری کانا، یکی نیرومند و دیگری ناتوان، با تمام دست اندازی‌های حکیمانه انسان در مهندسی ژنتیک، هنوز راز این معما مجهول است به گونه‌ای که فردوسی عزیز می‌سراید: تن مرده و جان نادان یکی است.

برتراند راسل در نشان دادن عظمت انسان از راه مطایبه گفته است: بعضی آدم‌ها با گونه‌ای احساس برتری جویی، خود را در رده‌ای می‌بینند که اگر خدا در بهشت با مشکلی مواجه شد، میل دارند خدا را راهنمایی کنند، این حرف اگر چه از راه مزاح گفته شد، ولی بیان‌گر روح بلند و ناآرام انسان است. به همین جهت اعتقاد دارم که هیچ انسانی حق ندارد خود و عقاید خود را برای همیشه درست و منطقی بداند، مارکس و دیگران نیز در این ردیف قرار دارند.

در همین لحظه جوان با کمی گستاخی گفت: وقتی آدمی نظیر شما به مارکس ایراد بگیرد که اهل عمل نبود، من مجبور به تشریح مبارزات او بوده‌ام، زیرا همین فیلسوف در فردای انحلال بین‌الملل اول در جهت تصحیح خطوط مبارزاتی نه تنها به بازسازی حزب سوسیال دموکرات آلمان پرداخت، بلکه به کمک حزب کارگران فرانسه شتافت، حتی در ایجاد حزب کارگری انگلیس و آمریکا نیز نقش داشته است. تا اینکه در ۱۴ مارس ۱۸۸۳ بدرود حیات گفت.

جوان فرنگ دیده که این مطالب خشک را بیان می‌کرد فضای محاوره را کدر و چهره‌ها را عبوس کرده بود و پیرمرد هم خسته و افسرده شده بود ولی از نظر روان‌شناسی میل نداشت، جوان را از گفتن باز دارد ولی در یک لحظه مناسب با فراست زمزمه کرد که:

حافظ گرت ز پند حکیمان ملامت است

کوته کنیم قصه که عمرت دراز باد!

یا حق ...

□ □ □

## کراوات و تاریخچه پیدایش آن در ایران باستان

پروفسور دکتر فاروق صفی‌زاده

با نگرشی بر تاریخ پرافتخار ایران زمین، درمی‌یابیم که ایرانیان آریایی، در درازای تاریخ پرافتخار خود، ابداع‌کننده و کاشف و بانی هزاران دستاورد علمی و فنون بوده‌اند. اختراع خط، نوشتن، کتابت، علوم پزشکی، ستاره‌شناسی، فلسفه، ریاضیات و ... همه و همه را برای نخستین بار ایرانیان به وجود آورده‌اند. برای هر کدام از این علوم، ما دلایل و اسناد فراوان تاریخی داریم که ثابت می‌کند ایرانیان، نخستین مردم با فرهنگ و تمدن جهان بوده‌اند که قرن‌ها پیش از مصریان و یونانیان و دیگر اقوام، دارای فرهنگ و تکنولوژی بسیار برتر بوده‌اند. تا پیش از حمله‌ی عرب‌ها به ایران، کتابخانه‌های ایران زمین، انباشته از هزاران هزار کتاب در زمینه‌های مختلف علوم و فنون و تکنولوژی بود. پس از اسلام نیز ما در قرن دوم و سوم، دانشمندان بسیار بزرگی را داشته‌ایم که هر کدام بزرگ‌ترین خدمت را به بشریت کرده‌اند. یکی از دانشمندان ایرانی ۱۶۰ نوع اختراع را در کتاب خود به زبان تازی آورده که تاکنون تنها شصت گونه اختراع وی، توسط غیرایرانی دوباره کشف و ابداع شده است. یکی دیگر از دانشمندان در قرن دوم هجری، به گروهی بودن زمین اشاره می‌کند. در اوستا، کتاب مقدس مهربان، به گروهی بودن زمین اشاره شده است. ابوریحان بیرونی، در کتاب التفهیم.

ایرانیان نخستین مردمی بودند که پوشاک را ابداع کردند. ایرانیان باستان برای پوشاک و لباس اهمیت فراوانی قایل بودند. با نگاهی به پوشاک و لباس امروزی گردان، آذری‌ها و گیلکی‌ها با قدمت پانزده هزار ساله، در می‌یابیم که ایرانیان چه اندازه در زیبایی و دوخت پوشاک مهارت داشته‌اند. لباس بسیار زیبای زنان گرد و لباس بسیار موقر و زیبای مردان گرد، بازمانده‌ای از پوشاک مادها و آریایی‌های باستان می‌باشد.

در این چکیده گفتار به کراوات، بخشی از پوشاک زنان و مردان ایران باستان، بر پایه‌ی اسناد مدارک باستانی می‌پردازیم.

دستمال گردن یا کروا Karwa یکی از بخش‌های پوشاک زنان و مردان ایرانی بوده است. ایرانیان باستان، برای زیبایی و پوشاک خود، دستمالی را به دو قسمت کرده و آن را به گردن می‌آویختند. نام این دستمال کروا Karwa بوده است. کروا: رخنه گرفتن و وصل کردن دو چیز باشد باهم (برهان قاطع) و (آندراج). در ناظم‌الاطباء نیز آمده است.

ایرانیان، هر نوع دستاوردی را که اختراع و سپس به کار می‌بردند، دارای فلسفه‌ای زیبا بوده است. کروا یا کراوات نیز دارای فلسفه‌ای آیینی است که به آن اشاره می‌گردد.

مانترا یعنی «ذکر»، جزو اصول آیین‌های زروان، مهر و مزدیسنا در ایران باستان می‌باشد. هر شخص در ایران باستان، دارای یک مانترای شخصی بوده است. به جز مانترای شخصی که بر مبنای روز تولد شخص مشخص می‌شد، مانتراهایی نیز بوده که در مزگت‌ها (مسجد) و آتشکده‌ها به کار برده می‌شد. مهم‌ترین این مانترا، و ذکر هی اوما Hioma می‌باشد. هئومه یا هومه، یکی از گیاهان مقدس است که ایرانیان باستان از شیرهای این گیاه، شرابی مقدس درست کرده و آن را قبل از عبادت می‌نوشیدند. ذکر و منترای هئومه نیز از نام این گیاه مقدس آمده است. ثبتی‌ها امروزه این مانترا را به شیوه‌ی اوم Oum به کار می‌برند. این مانترا در میان یهودیان و مسیحیان و مسلمانان آمین = آم شده است. Om را آغاز همه چیز می‌دانند. در آیین‌های باستانی کلمه پیش از همه چیز خلق شده است. Om یا اوم ارتباط نزدیک با گروه خونی آریایی‌های اصیل: O+ دارد. نشانه‌ای مادینه - زنان نیز O+ از O+ و اوم گرفته شده است که همان نژاد برتر آریایی را می‌رساند. نشانه‌ی فروهر، کهن‌ترین نماد آریایی‌های باستان، از همین گروه خون O+ و اوم گرفته شده

است. بر همین پایه، کراوات یا دستمال گردنی نیز، به همین نشانه و مانترای مقدس بستگی دارد. دایره، به منزله‌ی خورشید، جهان هستی، حلقه‌ی مهر، زمان بی‌کرانه، کمر بستن (کُستی یا کُشتی)؛ خلقت جهان در دل زمان بی‌کران (ازلی و بدلی) می‌باشد و دو رشته‌ی کراوات، همان دو جنبه‌ی منفی و مثبت جهان یا انگره‌مینو و سپنتامینو (دو گوهر همزاد) در آیین مهر و مزدیسناست. پس کراوات یک نوع مانترای (ذکر) جالب از Om و خون نژاد برتر آریایی و O+ و نشانه مادینه  $\ominus$  می‌باشد. ایرانیان بر این باور بوده‌اند که هستی و خداوند نیز مادینه است و زن، پیش از مرد خلق شده است. این دو چیز مهم، جدیداً توسط دانشمندان زیست‌شناس به اثبات رسیده است. بر پایه‌ی علم پزشکی و زیست‌شناسی، ثابت می‌شود که زن، پیش از مرد خلق شده است و همه‌ی جنین‌های انسان، تا سه هفته‌ی اول، مادینه هستند، سپس کم‌کم برخی از آنها تبدیل به نرینه می‌شود. ایرانیان برای شادی و شادمانی، این دستمال گردنی را به گردن می‌آویختند.

۳

سینه‌ی گردنی بر روی دستمال گردنی

جالب است بدانید که واژه‌ی کراوات از قوم ایرانی کراوات‌ها گرفته شده است. کراوات‌ها، قوم ایرانی ساکن یوگسلاوی هستند که در فرانسه، این دستمال گردنی را رواج دادند و این نام، با نام خود قوم ماندگار شد. همان گونه که گفته شد، واژه‌ی کروا و کروات، یک واژه‌ی ایرانی است که در فرهنگ‌ها آمده و معنی آن «ذکر» شد.

در آوستایی و کُردی باستان کویی رییس به معنی: زیوری برای گردن و سینه، سینه‌بند، گردن‌بند آمده است. (۱)

واژه‌ی دیهیم نیز، در زبان‌های ایرانی به معنی نوار دور تاج پادشاهان ایران است. ریشه‌ی آریایی این واژه: di و dā و dei و da به معنی بستن آمده است. که صورت آوستایی آن دیا dyā است. از این ریشه، واژه‌های دام و دامک، دامنی: مقنعه و روسری زن‌ها را داریم. دام در زبان ارمنی نیز صورت dam را یافته است. در سنسکریت از همین ریشه واژه‌های dita: بسته و daman: بند، ریسمان ساخته شده است.

این واژه در لاتین diadēma و در فرانسه diadème و در آلمانی Diadem و در انگلیسی: diadem راه یافته است که همان منظور دستمال گردنی و کراوات می‌باشد.

در فرهنگ نظام آمده است: «داهیم: تاج پادشاهان ... دیهیم امالهی همین لفظ است. در سنسکریت دامن، به معنی گردن بند گل و سربند گل است از ریشه‌ی دم، به معنی بستن. داهیم از همان ریشه است، چه سلاطین قدیم، تاج گل دور سر می‌بستند. دَیْدَم diadem انگلیسی از همین ریشه است.

دیهیم به شکل حلقه‌ای، با نوارهای بلند امواج (دستمال گردنی - کراوات) است و عموماً در تصاویر شاهان ساسانی در رزم و بزم و شکار وجود دارد که در حجاری‌ها و سکه‌ها و ظروف عهد ساسانی دیده می‌شود.

در لوح هامورابی، سنگی با ارتفاع بیش از دو متر یا نوشته‌ی خط میخی وجود دارد. در این سنگ، مراسم تاج‌گذاری نشان داده شده است. روح مهر، با شال دیهیم روی شانه‌هایش، با دست راست حلقه‌ی دیهیم و قلم را به هامورابی می‌دهد. وجود حلقه‌ی مهر که همین طور از فرّ و دیهیم شاهی است که از آیین مهر ماندگار است.

□ □ □

۱- نک: فرهنگ واژه‌های آوستا، احسان بهرامی، ج ۱، تهران، ۱۳۷۵، بلخ، ص ۳۷۶ و